

بررسی مبانی فقهی حکم رجم در قانون مجازات اسلامی جدید

آیت اله کریمی

دانش آموخته کارشناسی ارشد، رشته ی الهیات و فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج

چکیده

این مقاله متکفل بررسی مبانی فقهی حکم رجم در قانون مجازات اسلامی جدید است. "قانون مجازات اسلامی" در آخرین اصلاحیه به صورت زیر به تصویب رسیده است: حد زنا برای زانی محصن و زانیه محصنه رجم است. در صورت عدم امکان اجرای رجم با پیشنهاد دادگاه صادرکننده حکم قطعی و موافقت رئیس قوه قضائیه چنانچه جرم با بینه ثابت شده باشد، موجب اعدام زانی محصن و زانیه محصنه است و در غیر اینصورت موجب صد ضربه شلاق برای هر یک می باشد. این پژوهش با رویکرد توصیفی و تحلیلی به بررسی موضوع رجم در قانون مجازات اسلامی و مبانی فقهی آن پرداخته است. «یافته های پژوهش بیانگر آن است که سنگسار مجازاتی است که به جهت دامنه ی مقاصد مترتب بر زنا ی محصنه که ابعاد مختلف زندگی دنیوی اخروی مادی و معنوی فردی واجتماعی انسان و جامعه را تحت تاثیر قرار می دهد در اسلام نیز مجازات زنا ی محصنه (زنا ی زن شوهردار یا مرد همسر دار) با شرایطی بسیار سختگیرانه هم در مرحله ثبوت و هم در مرحله اثبات، ممکن است به مجازات سنگسار منتهی شود که در روایات زیادی از پیامبر اکرم (ص) به آن تصریح شده است و وجود این گونه مجازات های سنگین به دلیل جنبه بازدارندگی آن ها می باشد چرا که مفاسد مترتب بر زنا بسیار میباشند. هدف اسلام از اجرای چنین مجازاتی اصلاح جامعه، التیام ناهنجاری های ناشی از ارتکاب جرم، تطهیر فرد مجرم و... می باشد. تحقق شرایط ثبوت، اثبات و اجرای مجازات سنگسار به حدی دقیق، نادر و سختگیرانه است که عملاً امکان تحقق آن را به حداقل می رساند.

واژه های کلیدی: فقه، رجم، قانون مجازات اسلامی جدید

مقدمه

سنگسار یکی از مجازات های سنگین است که در اسلام برای زنانی محصنه پیش بینی شده است. سیاست کیفری اسلام بیشتر بازدارنده است تا مجازات گر. در زنا، لواط و جرایم عفاف، شرایطی را بیان می کند که مشخص می کند هدف اسلام بیشتر جلوگیری از اشاعه فحشا و علنی شدن بزهکاری در جامعه است تا اجرای مجازات. حد سنگسار نیز از این نوع مجازات می باشد. بنابراین گرچه برخی از این مجازات ها مانند سنگسار، به ظاهر سنگین به نظر برسند ولی اسلام راه های اثبات آن را چنان محدود کرده است که عملاً به ندرت اتفاق می افتد اما در عین حال، ترس از آن به عنوان یک عامل بازدارنده قوی و موثر روی افراد منحرف و غیر قابل کنترل، اثر خود را خواهد گذاشت. از سوی دیگر شرایطش را غیر قابل اثبات هم نکرده تا عملاً اجرای احکام منتفی نگردد، زیرا در این صورت اولاً با حکمت وضع احکام منافات خواهد داشت و ثانیاً بازدارندگی خود را از دست خواهد داد و قانون، عبث خواهد گشت. سنگسار یکی از جرایم علیه حیثیت و کیان خانواده است. در ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی قانونی، جواز اجرای مجازات بدون تشریفات شرعی و قانونی به شوهر داده و مقرر شده است که هر گاه مرد، همسرش را در حال زنا ببیند و علم به تمکین زن داشته باشد می تواند او را به قتل برساند. این ماده قانونی انتقاد حقوقدانان را به دنبال داشته است نتقاداتی به حکم سنگسار شده است؛ از جمله گفته اند سنگسار حکمی غیرعقلانی و مخالف حقوق بشر است. همچنین در آن، میان جرم و مجازات، تناسب وجود ندارد؛ زیرا این مجازات برای کسی که لحظه ای بر اثر فشار نیروی جنسی، لغزش می کند، بسیار سخت گیرانه است؛ چراکه عمل او مفسده ای ندارد و به دیگران هم آسیبی نمی رساند. در پاسخ به اشکال نخست، گفته اند اسلام هم در مرحله اثبات جرم و هم در مرحله اجرای سنگسار بسیار سخت گیری کرده است؛ تا جایی که این حکم بیشتر یک تهدید است و به ندرت انجام می شود. به اشکال دوم نیز چنین پاسخ داده اند که وجود چنین مجازاتی به سبب آثار زیان آور دنیایی و آخرتی فراوان زنا همچون بی دینی، بی عفتی، بیماری های مقاربتی، بحران کودکان بی هویت و ناامنی روانی خانواده است. (کدخدایی، ۱۳۹۰: ۷۴) بنابراین در آن جرم و مجازات تناسب دارند. در ماده ۲۲۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، رجم به عنوان مجازات اصلی زنا محصنه، تعیین شده است. از طرفی به موجب ماده یادشده، هرگاه امکان اجرای این مجازات وجود نداشته باشد، مجازات های شلاق یا اعدام - بسته به مورد آن - جایگزین خواهد شد. با عنایت به انتقاد نهادهای بین المللی و سوء استفاده رسانه های گروهی غربی، از اجرای احکام رجم در نظام جمهوری اسلامی ایران، نگارنده با روش کتابخانه ای تحلیلی نشان می دهد از منظر فقهی جایگزینی مجازات های دیگر به جای رجم، اقدامی موجه و مطابق با موازین فقهی است، زیرا از یک سو، دو عنوان ثانوی وهن دین و نفرت از دین بر موضوع رجم عارض شده است و حکم اولی و جوب اجرای رجم را موقتا به حکم ثانوی حرمت اجرای آن تغییر داده است و از سوی دیگر، انتخاب نوع مجازات های جایگزین رجم نیز بر اساس مبانی فقهی مربوط به رجم صورت گرفته است. (گلدوزیان، ۱۳۹۳: ۸۲)

۲- تعاریف و مفاهیم

۲-۱- رجم یا سنگسار

در احکام جزایی اسلام، حد زنا محصنه «رَجْم» (سنگسار کردن) است؛ منظور از «مُحَصَّن» مردی است که همسر دارد و همسرش در اختیار او است، و «مُحَصَّنَه» به زنی می گویند که شوهر دارد و شوهرش نزد او است. هر گاه کسی با داشتن چنین راه مشروعی، باز هم مرتکب زنا بشود، حد او سنگسار است، و این قانون اگر چه در قرآن به آن اشاره ای نشده است ولی در احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و معصومین علیهم السلام به طور مسلم وارد شده است. از جمله مجازات شرعی که در طی

آن به طرف محکوم سنگ پرتاب می شود تا فرد محکوم جان خود را از دست بدهد رجم می باشد. این مجازات برای فردی است که اگر فرد محکوم متاهل باشد و با فرد دیگری به غیر از همسر خود رابطه جنسی برقرار کند در این صورت محکوم به سنگ سار خواهد شد. یکی از مجازات شرعی که در طی آن به طرف محکوم سنگ پرتاب می شود سنگسار می باشد. (کردی، ۱۳۹۴: ۸۳) اجرای سنگسار در قانون مجازات اسلامی علاوه بر مجازات محکوم، عبرت گرفتن جامعه از این جرم بزرگ می باشد. این حکم که در طی یک مراسم خاص صورت می گیرد، برای مجازات افراد زناکار در نظر گرفته می شود و در طی آن به فرد محکوم آنقدر سنگ پرتاب می شود که فرد محکوم جان بدهد. اگر درباره سنگسار در قانون مجازات جمهوری اسلامی یا حکم سنگسار در قانون مجازات اسلامی چیزی نمی دانید.

۲-۲- حکم سنگسار در ایران

ایران یکی از ۶ کشوری می باشد که این حکم را در مجازات خود دارد و در صورتی که ۴ شاهد که عاقل و عادل بودن آنها توسط دادگاه تأیید شود، شهادت دهند که فرد محکوم در حالی که متاهل بوده، با کسی غیر از همسر خود رابطه جنسی برقرار کرده، این حکم را برای محکوم اعمال می کند. توجه داشته باشید که شاهد، باید رابطه جنسی را با چشمان خود از نزدیک دیده باشد و در حضور قاضی آن را شهادت دهد. این حکم در سال ۲۰۰۳ با صدور بخشنامه ای توسط رئیس قوه قضاییه و در پی قولی که به به مقام های اروپایی داده شده بود، متوقف شد.. (کدخدایی، ۱۳۹۰: ۳۴)

۲-۳- حکم سنگسار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

در جامعه کنونی ایران حکم سنگسار یا رجم با انتقادات و برخوردهای تندی از سوی حقوق بشر و فعالان مدنی رو به رو شده است. لذا، طی سالهای اخیر انجام مجازات سنگسار در مناطقی گزارش شده است که دارای سطح سواد، فرهنگ و آموزش پایین تری نسبت به بقیه مناطق بوده است.

به همین دلیل در قانون جدید مجازات سال ۹۲ امکان تبدیل این مجازات به اعدام و شلاق فراهم گردیده است. مطابق ماده ۲۲۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ «حد زنا برای زانی محصن و زانیه محصنه رجم می باشد. در صورت عدم امکان اجرای رجم با پیشنهاد دادگاه صادرکننده حکم قطعی و موافقت رئیس قوه قضائیه در صورتی که جرم با بینه اثبات شده باشد، موجب اعدام زانی محصن و زانیه محصنه است و در غیر این (یعنی اثبات از طریق ادله دیگر) صورت موجب صد ضربه شلاق برای هر کدام خواهد بود. (باقرزاده، ۱۳۹۰: ۱۲۳)

۲-۴- نحوه اجرای سنگسار

طبق قوانین سنگسار در ایران، ابتدا فرد محکوم را غسل میت می کنند یعنی همان غسلی که بعد از مرگ میت انجام می شود را بر روی فرد میت انجام می دهند. پس از قرار دادن در گودال، به آنها دستور داده می شود که حنوط کنند و بعد از آن دور محکوم را همانند میت، کفن می کنند.

اگر مجرم مرد باشد او را تا کمر و چنانچه زن باد او را تا سینه درون گودال می گذارند و گودال را با خاک پر می کنند. پس از آن آنقدر به فرد محکوم سنگ می زنند تا بمیرد.

توجه داشته باشید که اندازه سنگ‌ها متوسط هستند، یعنی طوری هستند که به راحتی بتوان آن‌ها را بلند و پرتاب کرد. پس از مرگ محکوم برای آن نماز میت خوانده می‌شود و او را دفن می‌کنند. طبق سنگسار در قانون مجازات اسلامی، چنانچه جرم با شهادت شاهدین به اثبات رسیده باشد، واجب است که شاهدین به طرف آن سنگ پرتاب کنند اما در صورتی که مجرم اعتراف کرده باشد، حاکم شرع باید پرتاب سنگ را شروع کند. سنگسار زنان

سنگسار زنان همانند سنگسار مردان می‌باشد و تنها تفاوتی که با یکدیگر دارند، این است در سنگسار زنان، زنان را تا سینه درون گودال خاک می‌کنند اما در سنگسار مردان، مردان را تا مکر در گودال خاک می‌کنند.

- موارد اثبات مستحق سنگسار زنان در قرآن عبارت‌اند از:
- دارای همسر یا متاهل باشند.
- هر دو طرف زنا کار همسر داشته باشند حکم سنگسار اجرا می‌شود
- همسر دائم داشته باشند.
- قبل از انجام زنا با همسر دائم خود یک بار همبستر شده باشد.
- همسر دائم وی جهت ارتباط جنسی در دسترس باشد.
- دو طرف زناکار آزاد باشند.
- دو طرف زنا کار دین آنها اسلام و در نتیجه مسلمان باشند. (گلدوزیان، ۱۳۹۲: ۱۴۹)

۲-۵- اسباب حکم رجم

بیان اسباب و شرایطی که موجب حکم رجم می‌شود:

الف) شرایط اقرار شخص به زنا

شخصی که به زنا اقرار می‌کند باید شرایطی داشته باشد که عبارت‌اند از:

۱. اقرار شخص بر انجام زنا
۲. کامل بودن از لحاظ بلوغ و عقل و اختیار؛
۳. چهار مرتبه اقرار به زنا.

ب) شرایط شهادت شهود بر زنا

کسانی که بر زنا شهادت می‌دهند، باید شرایطی داشته باشند که عبارت است از:

۱. عادل بودن شهود
۲. محدود نبودن شهود، یعنی از کسانی نباشند که حد قذف بر آنها جاری شده باشد؛
۳. شهادت چهار نفر عادل، بنابراین شهادت دو نفر کفایت نمی‌کند؛ زیرا همانند سایر حقوق که به دو نفر ثابت می‌شود نیست. لذا کسانی که به مرد و زنی زنا را نسبت دهند و چهار نفر نباشند، بر آنها باید هشتاد تازیانه جاری کرد. خداوند در آیه چهارم از سوره نور می‌فرماید:

والذین یرمون المحصنات ثم لا یأتون بأربعة شهداء فاجلدونهم ثمانین جلدۃ ولا تقبلوا منهم شهادة أبداً اولئک هم الفاسقون

کسانی که به زنان عقیفه نسبت زنا می‌دهند و پس از آن چهار شاهد نیاورند، باید هشتاد تازیانه بر آنها جاری شود و هیچ‌گاه شهادت از آنها پذیرفته نگردد و آنان از فاسقان به‌شمار می‌آیند.

۴. واضح بودن شهادت، به این صورت که در مقام شهادت بگویند ما دخول و خروج آلت را دیده‌ایم. در اعتبار این شرط برای اثبات موضوع حکم رجم، فقهای مذاهب اسلامی اختلافی ندارند. گویای این شرط، کلام امیرالمؤمنین علی (ع) است که فرمود: «لایرجم رجل ولا إمراة حتی شهد علیه أربعة شهود علی الإیلاج والإخراج».

۵. اتفاق شهود در مقام شهادت، به این صورت که زمان و مکان و کیفیت خاص شهود آنان یکی باشد. بنابراین اگر در یکی از این موارد اختلاف داشته باشند، بر همه آنها حد قذف جاری می‌شود. اعتبار این شروط برای چهار نفر شاهد در تحقق حکم رجم، گویای این است که اسلام برای آبروی مسلمان و حفظ حیثیت او اهمیت خاصی قائل است و در روایات نیز بر آن بسیار تأکید شده است.. (کدخدایی، ۱۳۹۰: ۱۳۰)

۳-۶- مجریان حد رجم بر زانی

مجریان حد رجم بر زانی عبارت‌اند از:

۱. کسانی که اهل گناه نبوده‌اند
۲. شهودی که از راه شهادت آنها زانی شخص ثابت شده باشد
۳. امام (ع)، اگر از راه اقرار زانی شخص ثابت شده باشد
۴. کسانی که حدی بر آنها مستقر نباشد، بنابراین کسی که بر او حد ثابت است، نمی‌تواند مجری آن شود و در این باره روایاتی از معصومین (ع) وجود دارد، ولی اگر آن شخص توبه کرد، اختلاف وجود دارد؛ بعضی از اخبار گویای آن هستند که توبه او قبول می‌شود و بدین جهت حق‌الله که حد است از او ساقط می‌شود و می‌تواند رجم را تصدی نماید، ولی ظاهر بعض دیگر از اخبار، جایز نبودن تصدی برای او در این امر است، چه توبه کرده باشد و چه توبه نکرده باشد. (گلدوزیان، پیشین: ۷۲)

۳-۷- مخالفان سنگسار به روایت تاریخ

سردمداران مسیحیت و یهودیت، خوارج و مرجئه، از مهم‌ترین گروه‌هایی بودند که به انگیزه‌های سیاسی با حکم الهی سنگسار به مخالفت برخاستند. این سه گروه، نماینده سه جریان انحرافی مخالف هستند که در طول تاریخ و در قالب‌های جدید استمرار یافته است. (نوبهار ۱۳۹۲: ۴۳)

۳-۷-۱- دسته اول، اهل کتاب

دسته اول، اهل کتاب هستند که با وجود اینکه حکم سنگسار در دینشان وجود داشت آن را مخفی کردند. (مائده: ۱۵) شأن نزول آیه ۱۵ سوره مائده به این حقیقت اشاره می‌کند. روایاتی که در تفسیر شأن نزول این آیه آمده است، مربوط به حکم سنگسار یکی از سردمداران یهودی است که دانشمندان اهل کتاب قصد داشتند به دلیل اینکه فرد مزبور از طبقه مرفه و ذی‌نفوذ بود، از اجرای این حکم سر باز زنند، و با دسیسه‌چینی به انکار حکم پرداختند. آن دسته از انتقادهایی که ناظر به مقایسه و تطبیق احکام و ارزش‌های اسلامی با احکام و ارزش‌های سکولاریستی غرب است، جزو این دسته می‌باشد.

۳-۷-۲-دسته دوم: خوارج صدر اسلام

دسته دوم منکران حکم سنگسار، ناشی از جهل برخی مسلمانان است. خوارج صدر اسلام، نماینده این گروه هستند. این گروه با شعار معروف «حسبنا کتاب الله»، خود را از گستره وسیعی از معارف اهل بیت (ع) جدا کرده، انحراف بزرگی را در اسلام پایه‌گذاری کردند. کسانی که امروز شعار قرآن‌بسندگی می‌دهند و قرآن را منشأ همه احکام می‌دانند و هرآنچه را در قرآن نباشد، غیراسلامی می‌دانند، عملاً شعار «حسبنا کتاب الله» را تکرار می‌کنند. این گروه به دلیل کمی معلومات و تسلط نداشتن بر مبانی اسلام و روش‌شناسی عقلانی استنباط احکام، دچار انحراف شده‌اند... (کدخدایی، ۱۳۹۰: ۵۴)

۳-۷-۳-دسته سوم: مرجئه

دسته سوم، مرجئه هستند که با دسیسه سیاسی امویان و در مسیر مشروعیت‌بخشی به عملکرد سردمداران بی‌اخلاق و عیاش، شکل گرفت. اینان ایمان را امری شخصی، قلبی و کافی برای سعادت می‌دانند که گناه نمی‌تواند به آن خللی وارد کند. این گروه، با شعار تسامح و تساهل، اصلاح‌طلبی دینی و... گناهان و فسادهای جنسی را مسئله خصوصی می‌دانند که مربوط به حوزه خصوصی زندگی افراد است. (مطهری، ۱۳۷۶: ۶۰)

۳-۷-۴-دسته چهارم: متفکرین سکولار

گروهی الگو بودن فناوری و صنعت غرب و پیشرفته بودن کشورهای غربی در این زمینه را دلیل الگو و مترقی بودن نظام ارزشی و اخلاقی غرب قلمداد می‌کنند. حقوق بشر با قرائت سکولاریستی را علم کرده، به اصطلاح برای دفاع از حقوق بشر با هر وسیله ممکن در پی بومی‌سازی ارزش‌های غربی در نظام اسلامی هستند.

۳-۷-۵-دسته پنجم: غیر عقلانی و غیر اسلامی دانستن آن

برخی دیگر درصددند کیفیت و شرایط مجازات سنگسار را امری غیرعقلانی جلوه دهند! دسته‌ای دیگر، می‌کوشند با استفاده از احساسات توده مردم، حکم الهی سنگسار را به گروه خاصی مثل یهودیان و یا خلیفه دوم منتسب کنند. از این‌رو، غیراسلامی بودن آن را نتیجه بگیرند؛ ترفندی که در مورد انکار بسیاری از احکام اسلامی در طول تاریخ اسلام وجود داشته است. (کردی، ۱۳۹۴: ۶۱)

۴-مبنای فقهی تغییر در حکم رجم

۴-۱-حکم اولیه زنانی محصنه

قسمت اول ماده درمقام بیان حکم اولیه زنانی محصنه است که مورد وفاق همه مسلمانان اعم از شیعه و سنی است و اختلافات چندانی ملاحظه نمی‌شود. براساس حکم اولیه، رجم است و روایات متعددی بر آن دلالت می‌کند. به نظر شیخ طوسی، اجماع مسلمین در این موضوع وجود دارد و فقط خوارج آن را نپذیرفتند. (شیخ طوسی، المبسوط، ج ۸، ص ۲)

صاحب جواهر در این خصوص می‌فرماید: اما رجم بر زانی محصن و زانیه محصنه... واجب می‌شود و اختلافی در این موضوع نیافتم بلکه هر دو قسم اجماع منقول و محصل در موضوع وجود دارد و اجماع منقول مانند نصوص مستفیض یا متواتر است و در نتیجه، حکم روشن است. (نجفی، جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۳۱۸)

۴-۲- حکم ثانویه زناى محصنه

یکی از مباحث مهم در حقوق کیفری اسلام بحث تاثیر مصالح و مفاسد در اجرای مجازات است؛ به نحوی که در روایتی از حضرت امیرالمومنین (ع) آمده است: «حد در سرزمین دشمن، اجرا نمی شود؛ چون خوف این وجود دارد که کسی که حد خورده به دشمن پناهنده شود» (مغربی، دائم السلام، ج ۲، ص ۴۴۵) بنابراین، در بحث رجم نیز که تمام دشمنان اسلام و انقلاب منتظرند اجرای رجم را بهانه‌های برای تخریب اسلام و نظام اسلامی قرار دهند و با تشویش افکار عمومی، زمینه الحاق برخی از مسلمین را به صفوف دشمن فراهم سازند عملاً امکان اجرای رجم وجود ندارد. به این معنی که شرایط برای اجرای این حد مهیا نیست و لذا شایسته است از احکام ثانویه در این موضوع استفاده شود.

باتوجه به دیدگاه فقهی که از مرحوم امام خمینی، مقام معظم رهبری و سایر مراجع عظیم الشان در این موضوع وجود دارد، قانون گذار ترجیح داده است از حکم ثانویه در این موضوع استفاده کند؛ لذا در مواردی که زناى محصنه با شهادت اثبات شود که حکم آن، قتل از طریق رجم است، حد قتل و در صورت اثبات زناى محصنه با اقرار یا علم قاضی، حد جلد مقرر شده است؛ چون در فرض اثبات زنا یمحصنه با اقرار فزانی حکوم به قتل یست و احتمال فرار یا رجوع از اقرار در هر زمانی متصور است. همچنین در خصوص اثبات جرم با علم قاضی به دلیل آنکه اصل ثبات رجم با علم قاضی محل اختلاف در میان فقیهاست حد جلد پذیرفته شد. ممکن است گفته شود در صورت تعذر رجم، دلیلی بر ثبوت حد جلد نیز وجود ندارد و باید تعزیر شوند. این سخن تام نیست؛ چرا که اولاً اصل زنا اثبات شده است که آیه شریفه «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةً جَلْدَةً» مجازات اصلی آن حد جلد است و ثانیاً اجرای رجم متعذر است، نه اجرای حد و طبق قاعده «الضرورة تنقذر بقدرها» (مصطفوی، مائة قاعدة فقهية؛ ص: ۱۵۳) لازم است به مقدار ضرورت اکتفاء کرد. ثالثاً در روایتی از امام صادق (ع) در خصوص سقوط حد رجم با انکار بعد از اقرار آمده است: «وَلَكِنْ كُنْتُ ضَارِبَهُ الْحَدَّ» (کلینی، الکافی (ط - الإسلامية)؛ ج ۷، ص: ۲۲۰) که دال بر عدم سقوط حد جلد در صورت سقوط حد رجم است.

برخی از فقهای معاصر نیز صریحاً به تبدیل رجم به قتل و یا شلاق بنا بر منهج مذکور در ماده فتوا دادند. همچنین برخی از فقهای معاصر، امکان تبدیل حکم رجم به انواع دیگر را در صورت ممکن نبودن اجرای حد رجم پذیرفته اند. به نظر می رسد با توجه به آنکه در فرض فرار شهود؛ حد رجم ساقط می شود، (نجفی، جواهرالکلام، ج ۴۱، ص ۳۶۴) حتی در صورت اثبات زناى محصنه با بینه نیز حکم قتل متعین نیست و احتمال رجوع از شهادت، فرار شهود و نتیجه، احتمال سقوط رجم وجود دارد. بنابراین، تبدیل حکم رجم به قتل در فرض اثبات زناى محصنه با بینه نیز بر خلاف احتیاط است. مگر اینکه گفته شود در اجرای حد قتل نیز در فرض تبدیل رجم به قتل، هرگاه شهود از شهادت رجوع کنند یا به سبب فرار از اجرای حد قتل، در هنگام اجرای مجازات حاضر نشوند به دلیل شبهه در اصل اثبات زنا، حد قتل ساقط می شود.

۵- آرای فقهای شیعه و اهل تسنن در حد رجم

۵-۱- آرای فقهای شیعه

۵-۱-۱- فقهای متقدم

صدوق و ابن حمزه می گوید: "ومن زنی بمحصنه وهو محصن، فعلى كل واحد منهما الرجم ومن زنی بمحصنه وهو غير محصن، فعليه الرجم، وعليه الجلد وتغريب سنه" هرگاه زانی وزانیه محصن باشند هر دو رجم می شوند و اگر زانیه محصن وزانی غیر محصن باشد زانیه رجم وزانی جلد و تبعید می شود. (صدوق، علی بن بابویه، ص ۲۷۵، طوسی، ابن حمزه: ۱۴۰۸، ص ۴۱۳) ابو

الصلاح (ره) می گوید: "فان كان حرامسما محصنا بزوجه غبطه حره أو أمه أو ملك يمين حاضره يتمكن من الوصول إليها وكان شيخا جلد مائه سوط وأمهل حتى يبرأ الضرب ثم رجم حتى يموت، وإن كان شابا رجم حسب..." "اگر زنا گندگان محصن وپير باشند اول جلد می شوند سپس رجم واگر جوان باشند تنها رجم می شوند. (حلبی، أبوالصلاح: ۱۴۰۳ق ص ۴۰۵) شیخ طوسی (ره) می گوید: "يجب على الثيب الرجم. وبه قال جميع الفقهاء دليلنا: إجماع الفرقه... المحصن إذا كان شيخا أو شيخه فعليهما الجلد والرجم، وإن كان شابين فعليهما الرجم بلاجلد. وقال داود وأهل الظاهر: عليهما الجلد والرجم، ولم يفصلوا. وبه قال جماعه من أصحابنا. وقال جميع الفقهاء: ليس عليهما إلا الرجم دون الجلد... (طوسی: ۱۴۱۷ق، ج ۵ ص ۳۶۵-۳۶۶) ابن براج (ره) می گوید: "وأما الذي يجب فيه الرجم بعد الجلد، فهو وطؤ الشيخ والشيخه إذا زنيا وكانا محصنين. وأما الذي يجب فيه الرجم دون الجلد، فهو وطؤ كل محصن أو محصنه ليسا بشيخين... (ابن البراج: بی تا، ج ۲ ص ۵۱۹) ابن زهره می گوید: "ومن الزناه من يجب عليه الرجم فقط، وهو كل محصن ليس بشيخ ولاشيخه، بلاخلاف إلا من الخوارج، فإنهم أوجبوا الجلد، ونفوا أن يجب الرجم في موضع من المواضع، و قد بينا انعقاد الاجماع على خلافه، ومن أصحابنا من قال بوجوب الجلد هاهنا أيضا مع الرجم والظاهر من المذهب هو الأول... (ابن زهره: ۱۴۱۷ق ص ۴۲۲) ابن إدريس (ره) می گوید: "وعندنا أنه يجلد أولا مائه جلده، ثم يرجم، وفي أصحابنا من خص ذلك بالشيخ والشيخه إذا زنيا وكانا محصنين، فأما إذا كانا شابين محصنين، لم يكن عليهما غير الرجم" (ابن إدريس حلی: ۱۴۱۱ق، ج ۳ ص ۴۴۱) شهيد اول و ثانی می گویند: "والأقرب الجمع بين الجلد والرجم في المحصن وإن كان شابا جمعا بين دليل الآيه، والروايه وقيل: إنما يجمع بينهما على المحصن إذا كان شيخا أوشيخه، وغيرهما يقتصر فيه على الرجم. وربما قيل بالاقتصار على رجمه مطلقا. والأقوى ما اختاره المصنف، لدلاله الأخبار الصحيحه عليه. وفي كلام على عليه السلام حين جمع للمرأة بينهما: جلدتها بكتاب الله، ورجمتها بسنه رسول الله صلى الله عليه وآله" (شهيد ثانی: بی تا، ج ۹ ص ۸۵-۸۶) صاحب جواهر (ره) می گوید: "وأما الرجم فيجب على المحصن والمحصنه إذا زنى أو زنت ببالغه عاقله أوبالغ عاقل بلاخلاف أجده فيه، بل الاجماع بقسميه عليه بل المحكى منهما مستفيض أو متواتر كالنصوص (ف) الحكم حينئذ مفروغ منه، نعم إن كان شيخا أوشيخه جلد ثم رجم بلاخلاف محقق معتدبه أجده فيه أيضا، بل الاجماع بقسميه عليه أيضا (نجفی: ۱۳۶۳ش، ج ۴۱ ص ۳۱۸) آقای خوانساری (ره) می گوید: "ويجب الرجم على المحصن إذا زنى ببالغه عاقله، يجمع للشيخ والشيخه بين الحد والرجم إجماعا وفي الشاب روايتان أشبهما الجمع، ولايجب الرجم بالزنى بالصغيرة والمجنونه ويجب الجلد وكذا لوزنى بالمحصنه صغير. (خوانساری: ۱۴۰۵ق ج ۷ ص ۲۸)

۵-۱-۲- فقهای معاصر شیعه

آقای خوئی (ره) می گوید: "الصحيح أنه لاجلد على المحصن و إنما يجب الرجم فقط، فانما و رد من الروايات فيال جمع بين الجلد والرجم مطلق، ولم يذكر في شيء منها الشاب والشابه" (خوئی: ۱۴۰۷ق ج ۱ ص ۱۹۷) آقای گلپایگانی (ره) می گوید: "اما الاول فلا كلام ولانزاع فيه بل اتفق الكل على انه إذا زنى البالغ العاقل المحصن ببالغه عاقله فانهما يرجمان، وكذلك إذا زنت بالغه عاقله محصنه ببالغ عاقل، بل اجماع المسلمين على ذلك ولم يخالف فيه الا الخوارج... و بعض المعتزله" (گلپایگانی: ۱۴۱۲ق ج ۱ ص ۲۷۸) امام خمینی (ره) می گوید: الثاني - الرجم فقط، فيجب على المحصن إذا زنى ببالغه عاقله، و على المحصنه إذا زنت ببالغ عاقل إن كانا شابين، و في قول معروف يجمع في الشاب و الشابه بين الجلد و الرجم، و الأقرب الرجم فقط... الرابع: الجلد و الرجم معا، و هما حد الشيخ و الشيخه إذا كانا محصنين فيجلدان أولا ثم يرجمان. (خمینی: بی تا، ج ۲ صص ۴۶۴ - ۴۶۳)

دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) نکته ای را نباید از یاد برد، ممکن است پس از رعایت تمام شرایط و ضوابط، اجرای حدود در زمان و مکانی یا چگونگی اجرای آن، موجب اشکال و ایراد بر اسلام یا مسلمین شود، باید دانست که مصلحت اسلام و مسلمین بر مصلحت اجرای یک حکم برتری دارد. در اینجا فقیه عادل و حاکم عادل اسلامی می تواند با توجه به شرایط زمان و مکان پیرامون اجرای آن حد دستوری صادر کند. چنانچه ائمه (ع) و امیر المومنین (ع) از اجرای حد در سرزمین دشمنان و مخالفان منع کردند. (وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۳۴۶) و حضرت امام (ره) نیز در اجرای حدود در جامعه اسلامی این ملاحظات را داشته اند.

حکم سنگسار در حدود ۹۰ روایت صحیح آمده است.

حسین نوری همدانی: «همان طور که قبلاً هم جواب داده ایم حکم الهی تغییرپذیر نیست و کیفیت اجرای آن بستگی به نظر حاکم شرع دارد.»

موسوی اردبیلی: «مجازات رجم قابل تغییر نیست ولی چنانچه اجرای آن برخلاف مصالح اسلام و مسلمین باشد فقیه جامع الشرایط می تواند حکم به عدم اجرای آن بدهد.»

حسینعلی منتظری در پاسخ به پرسش رادیو فردا حکم سنگسار را حکم یهودیت و اسلام اعلام کرده است.

محمدجواد غروی، سنگسار کردن زانی و زانیه را از احکام بنی اسرائیل می داند که خود بر دین موسی افزوده اند و ذکری از چنین حکمی در قرآن نیامده و در عمل قطعی پیامبر نیز وارد نشده است.

از دیدگاه صادقی تهرانی، هدف از این مجازات، اعدام و به قتل رساندن فرد زناکار نیست؛ بلکه، تحقیر اوست... هیچ مجازات جایگزینی برای سنگسار، وجود ندارد، یعنی نمی توان مرتکب زنا یا محصنه را به جای سنگسار، اعدام کرد یا مجازات دیگری برایش در نظر گرفت [بلکه باید همان حکم سنگسار را در باره اش اجرا کرد.

۵-۲-آراء فقهاء اهل تسنن

۱ - صحیح بخاری، ج ۶، ۲۴۹۸، باب (رجم المحصن)، ح ۶۴۲۷. ۶۸۱۲ - «حَدَّثَنَا آدَمُ حَدَّثَنَا شُعْبَةُ حَدَّثَنَا سَلْمَةُ بِنُ كَهَيْلٍ قَالَ سَمِعْتُ الشَّعْبِيَّ يُحَدِّثُ عَنْ عَلِيٍّ (رضی الله عنه) حِينَ رَجِمَ الْمَرْأَةُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَقَالَ قَدْ رَجَمْتُهَا بِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -». شعبی نقل می کند از علی (علیه السلام) که روزه جمعه ی زنی را رجم کرد و فرمود: بر اساس سنت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) او را رجم کردم.

۲ - صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۳۲۸، باب رجم الیهود اهل الذمه فی الزنا، ح ۱۷۰۱ ۳۲۱۳ - «و حَدَّثَنِي هَارُونُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ حَدَّثَنَا حَجَّاجُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ قَالَ ابْنُ جُرَيْجٍ أَخْبَرَنِي أَبُو الزَّيْبَرِ أَنَّهُ سَمِعَ جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ: رَجِمَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَجُلًا مِنْ أَسْلَمَ وَرَجُلًا مِنَ الْيَهُودِ وَأَمْرَاتَهُ» (ابو زبیر می گوید از جابر بن عبدالله شنیدم که می گفت: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مردی از اسلم، و مردی از یهود و زنش را رجم کرد).

۳ - مسند احمد، ج ۱، ص ۹۳، مسند علی بن ابی طالب، ح ۷۱۶ ۶۷۸ - «حَدَّثَنَا حُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ حَدَّثَنَا شُعْبَةُ عَنْ سَلْمَةَ وَالْمَجَالِدُ عَنِ الشَّعْبِيِّ أَنَّهُمَا سَمِعَاهُ يُحَدِّثُ أَنَّ عَلِيًّا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ حِينَ رَجِمَ الْمَرْأَةُ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ ضَرْبَهَا يَوْمَ الْخَمِيسِ وَرَجَمَهَا يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَقَالَ أَجْلِدُهَا بِكِتَابِ اللَّهِ وَأَرْجُمُهَا بِسُنَّةِ نَبِيِّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ». شعبی می گوید: علی علیه السلام وقتی خواست زنی از اهل کوفه را رجم کند، روز پنجشنبه تازیانه زد و روز جمعه رجم کرد و فرمود: بر اساس کتاب خدا او را تازیانه زد، و بر اساس سنت نبی خدا (صلی الله علیه و آله) او را رجم کردم.

۴ - سنن ابی داوود، ج ۴، ۲۶۰، ۲۵ - باب (الْمَرْأَةُ الَّتِي أَمَرَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - بِرَجْمِهَا مِنْ جُهَيْنَةَ)، ح ۴۴۴۵. ۳۸۵۴ - «حَدَّثَنَا عُثْمَانُ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ حَدَّثَنَا وَكَيْعُ بْنُ الْجَرَّاحِ عَنْ زَكَرِيَّا بْنِ أَبِي عِمْرَانَ قَالَ سَمِعْتُ شَيْخًا يُحَدِّثُ عَنْ ابْنِ أَبِي بَكْرَةَ عَنْ أَبِيهِ: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَجَمَ امْرَأَةً فَحَفَرَ لَهَا إِلَى الثَّنْدُوءِ» فرزند ابوبکر از پدرش نقل می کند: پیامبر (صلی الله علیه وآله) زنی را رجم کرد، پس بری او حفره ی تا سینه او حفر کردند.

۵- شوکانی می گوید: "أما من كان محصنا من الأحرار فعليه الرجم بالسنة الصحيحة المتواترة، بإجماع أهل العلم وبالقرآن المنسوخ لفظه الباقي حكمه وهو «الشيخ والشيخه إذا زنيا فارجموهما ألبتة» وزاد جماعه من أهل العلم مع الرجم جلد مائه" (شوکانی، ۱۴۱۴ق، ج ۴ص ۶)

۶- جزیری می گوید: "ولم يخالف في هذا الحد (الرجم) الا بعض المعتزله و الخوارج" در ثبوت رجم غیر از خوارج وبعض معتزله، فقیهی مخالفت نکرده است (جزیری: ۱۴۱۱ق ج ۵ ص ۵۸)

۷- ابن قدامه می گوید: "أن الرجم لا يجب إلا على المحصن باجماع أهل العلم (ا بن قدامه: بیتا، ج ۱۰ ص ۱۲۶) ابو حیان می گوید: "وقد ثبت الرجم بالسنة المستفیضة وعمل به بعد الرسول، خلفاء الإسلام أبوبکر وعمر وعلي "رجم با سنت مستفیضة ثابت شده و بعد از پیامبر، ابوبکر، عمر وعلی به این سنت عمل نموده اند. (اندلسی، ابوحیان، ۱۴۲۰ ق، ج ۸، ص: ۸)

۸- ابن حزم و سیوطی می گویند: "وان كانا محصنين رجما... في سنة رسول الله صلى الله عليه وسلم "اگر زنا کنندگان محصن باشند طبق سنت پیامبر رجم می شوند (ابن حزم اندلسی، ج ۱۱ ص ۲۳۰) (سیوطی: بی تا، ج ۲ ص ۱۳۰)

۵-۳- جمع بندی اقوال فریقین

فقهاء اسلام از متقدمین و متأخرین مگر شاذی از آنان که قائل به نسخ رجم شده اند ۲در، ثبوت رجم بر محصن و محصنه، اتفاق نظر و اجماع دارند ولی در اینکه این افراد علاوه بر رجم، جلد نیز دارند یا نه ؟ سه نظر وجود دارد و منشأ این اختلاف، تفاوت لسان ادله (روایات) می باشد:

الف: محصنین تنها رجم دارند اعم از اینکه پیر باشند یا جوان. شوکانی، ۱۴۱۴ق، ج ۴ص ۶)

ب: در محصنین رجم با جلد جمع می شود مطلقا اعم از اینکه جوان باشند یا پیر. (شهیدثانی: بی تا، ج ۹ ص ۸۵ - ۸۶، ابن ادریس: ۱۴۱۱ق، ج ۳ ص ۴۴۱، خوانساری: ۱۴۰۵ق، ج ۷ ص ۲۸)

ج: در محصنین در صورتیکه پیر باشند رجم با جلد جمع می شود. (ابن زهره، ص ۴۲۲، ابن البراج، ج ۲ ص ۵۱۹، طوسی، ج ۵ ص ۳۶۵ - ۳۶۶، حلبی، أبوصلاح، ص ۴۰۵) (خوئی، ج ۱ ص ۱۹۷، نجفی: ۱۳۶۳ش، ج ۴۱ ص ۳۱۸، خمینی، ج ۲ ص ۴۶۳)

۵-۴- سنگسار در روایات اهل بیت (علیهم السلام)

۱- امیرالمومنین (علیه السلام) در خطبه ۱۲۷ نهج البلاغه به این قانون اسلامی اشاره دارند و می فرمایند: «وَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَجَمَ الزَّانِيَ الْمُحْصَنَ» (خطبه ۱۲۷ ص ۱۸۴) و می دانید رسول خدا (صلی الله علیه و آله) زناکار همسر دار را سنگسار کرد.

۲- «عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْمُحْصَنِ وَالْمُحْصَنَةِ جُلِدَ مِائَةً ثُمَّ الرَّجْمُ» (طوسی، الإستبصار فیما اختلف من الأخبار، ج ۴، ص ۲۰۱، ۱۱۷)

از امام باقر (علیه السلام) نقل شده که فرمودند: (مرد و زن همسر دار (که مرتکب زنا شده باشند) نخست صد تازیانه می خورند سپس سنگسار می شوند).

۳- «عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ الرَّجْمُ حَدُّ اللَّهِ الْأَكْبَرُ وَالْجُلْدُ حَدُّ اللَّهِ الْأَصْغَرُ» (همان). امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: (سنگسار حد بزرگ الهی، و تازیانه زدن حد کوچک الهی است).

۴- «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَضَى [امیرالمومنین علیه السلام] لِلْمُحْصَنِ الرَّجْمَ» (شیخ حر عاملی، ج ۲۸، ص ۶۱، باب (أقسام حدود الزنا و جملة من أحكامها)، ح ۳۴۲۰۹) امام باقر (علیه السلام) می فرمایند: امیرالمومنین (علیه السلام) درباره زناى محصنه به سنگسار حکم می کرد.

۵- «وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عَبْدِ عَنْ يُوسَى عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ الْحُرُّ وَالْحُرَّةُ إِذَا زَنِيَا جُلِدَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةً جَلْدَةً فَأَمَّا الْمُحْصَنُ وَالْمُحْصَنَةُ فَعَلَيْهِمَا الرَّجْمُ» (همان، ح ۳۴۲۱۰). سماعه از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده که فرمود: (هر گاه مرد و زن آزاد زنا کنند، به هر کدام یک صد تازیانه می زنند. اما مرد و زن همسر دار باید سنگسار شوند).

۶- «وَعَنْهُ عَمَّنْ رَوَاهُ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ الْمُحْصَنُ يُرْجَمُ» (همان، ص ۶۲، باب (أقسام حدود الزنا و جملة من أحكامها)، ح ۳۴۲۱۳). امام باقر (علیه السلام) می فرمایند: (مرد همسر دار (اگر زنا کند) سنگسار می شوند).

عن عمرو بن قيس قال قال ابو عبدالله (عليه السلام): ۷ - «وَأَنَّ اللَّهَ حَدَّ أَنْ لَا يُنْكَحَ النِّكَاحُ إِلَّا مِنْ حِلِّهِ وَ مَنْ فَعَلَ غَيْرَ ذَلِكَ إِنْ كَانَ عَزْبًا حَدٌّ وَإِنْ كَانَ مُحْصَنًا رُجِمَ لِمَجَاوَزَتِهِ الْحَدَّ». امام صادق (علیه السلام) فرمودند: (خداوند مشخص فرموده که رابطه جنسی تنها از راه حلال آن انجام گیرد؛ کسی که از این حکم تخلف کند اگر مجرد باشد تازیانه می خورد، و اگر متاهل باشد رجم می شود، زیرا از حدود خدا تجاوز کرده است. (الكافي، ج ۷، ص ۱۷۵، باب (التحديد)، ح ۷)

دلیل این مسئله فقط روایات است و لسان آنها متفاوت است چون برخی از آنها به طور مطلق مثبت رجم است و برخی دیگر به طور مطلق مثبت رجم و جلد است روایتی بدلیل بدلائل مختلف، بین پیر و جوان تفصیل داده و جمع بین رجم و جلد را مخصوص شیخ و شیخه نموده است و لذا این روایت بهترین شاهد است برای جمع میان روایات، با حمل مطلقات به مقید و ترجیح دادن قول به تفصیل. ولی در هر صورت باز یافت فتاوی گذشته این است که اطلاق دلیل رجم، قید "امکان" را که در اصلاحیه اخیر افزوده شده است، بر نمی تابد و لذا همه فقهاء در این اطلاق اتفاق نظر دارند.

۶- بیان ادله رجم

برخی از فقها برای اثبات حکم رجم به دلایلی تمسک کرده اند که عبارت اند از:

۱-۶- اجماع

این دلیل از نگاه ما از جهاتی مورد نقد و اشکال است:

اولاً، این اجماع منقول است و چنین اجماعی بدون تردید اعتبار ندارد؛

ثانیاً، این اجماع مدرکی است و در بحث های اصولی ثابت شده است که اجماع مدرکی معتبر نمی باشد؛ زیرا اگر آن مدرک معتبر باشد، اعتبار به مدرک است، نه به اجماع؛

ثالثاً، بر فرض که این اجماع مدرکی و منقول نباشد، بلکه محصل و از راه بررسی آرای فقها در طول زمان به دست آمده باشد، باز آن اجماع فی حد نفسه اعتبار ندارد، بلکه در صورتی اعتبار دارد که کاشف از سنت رسول خدا و یا اوصیای او باشد، و تحقق چنین اجماعی بدون طریق خاص که کاشف از آن باشد، امکان ندارد.

بجاست طریقی را که فقها، اعم از متقدمین و متأخرین، در طول تاریخ برای کشف اجماع محصل از سنت رسول خدا و اوصیای او داشته‌اند، بیان کنیم تا روشن شود که آنها کاشفیت را برای اجماع پدیدار می‌سازند یا خیر. (مکارم شیرازی، پیشین)

۶-۲- طرق کشف اجماع از قول معصوم

در آیات متعددی اطاعت پیامبر و اهل بیت او (علیهم السلام) را بر ما واجب نموده است، «اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم» (سوره مبارکه نساء آیه ۵۹)؛ و یا اطاعت از پیامبر (ص) را اطاعت از خداوند دانسته است، «من یطع الرسول فقد اطاع الله» (سوره مبارکه نساء آیه ۸۰).

به همین جهت، سنت که گفتار پیامبر و اهل بیت (علیهم السلام) است یکی از منابع استخراج احکام شرعی به شمار می‌رود و بسیاری از احکام شرعی از روایات پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام) استفاده می‌شود.

حکم رجم زناکاری که دارای همسر باشد، با تحقق شرایط آن، یکی از مسائلی است که با روایات متعدد - از طرق شیعه و سنی - از پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ائمه معصومین (علیهم السلام) ثابت شده است، و محل اتفاق جمیع فقها است، بلکه به حد ضرورت و بدهت بین مسلمانان رسیده و جای تأمل و تردید در این حکم وجود ندارد؛ و در صدر اسلام نیز به دستور پیامبر (صلی الله علیه و آله) انجام گرفته است. پس از بررسی طرقی که عالمان بزرگ و فقهای معروف مانند سیدمرتضی، شیخ طوسی، ابی‌صلاح حلبی، شیخ مرتضی انصاری، مرحوم نائینی و بروجردی برای کشف اجماع محصل از سنت رسول خدا و اوصیای او بیان کرده‌اند، آشکار می‌شود که همه آنها قابل نقد و اشکال است. در کتاب «مصادر اجتهاد از منظر فقیهان و مبانی اجتهاد از نگاه مذاهب اسلامی» آن اشکالات را به تفصیل بیان کرده‌ایم و به دلیل اختصار از ذکر آنها در اینجا خودداری می‌کنیم. بر این اساس جای این سؤال است که اجماع چه تأثیر و نقشی در مقام استنباط می‌تواند داشته باشد. در تألیفات مذکور گفته‌ایم که اجماع محصل در مقام استنباط دارای تأثیر است و نقش او همانند قول عالم لغوی است که می‌گوید فلان لفظ موضوع است برای فلان معنا؛ مثل لفظ «سعید» که در قرآن کریم برای تیمم آمده، آیا این لفظ موضوع برای خاک خالص است و یا مطلق روی زمین را شامل می‌شود؟ در این موارد گاهی گفتار لغوی باعث اطمینان در رأی فقیه می‌شود و فقیه براساس آن حکم را بیان می‌کند؛ و یا مانند نقش قول رجالی است که می‌گوید فلان راوی حدیث مورد وثوق و اطمینان است، و گاهی شهادت و گفتار او باعث می‌شود که فقیه در مقام استنباط براساس مضمون آن حدیث فتوا صادر کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۳: ۸۸)

۶-۳- اخبار

دلیل دوم بر حکم رجم، اخبار است. پیش از ذکر روایات، لازم است مطلبی را به اختصار بیان کنیم. به اعتقاد ما مضمون خبری که در مقام استنباط به عنوان حکم شرعی مورد استدلال قرار می‌گیرد، باید از جهات چهارگانه مورد بررسی قرار گیرد و پس از آنکه کامل‌بودنش ثابت شد، می‌توان آن را وسیله استنباط و اثبات حکم شرعی قرار داد، در غیر این صورت نمی‌توان براساس آن حکمی را بیان کرد.

آن جهات چهارگانه عبارت‌اند از:

یکم. اصل صدور خبر از رسول خدا و یا اوصیای او، توسط عالمان و متخصصان در علم رجال و علوم حدیث، تا معلوم شود که آیا آن خبر از آنان صادر شده است یا خیر؛
دوم. بررسی جهت دلالت خبر بر آنچه که مورد نظر قرار می‌گیرد، توسط عالمان و مجتهدان در علم فقه و اصول، تا معلوم شود که آیا آن خبر بر معنای مورد نظر دلالت دارد یا خیر؛
سوم. بررسی جهت صدور خبر که آیا براساس تقیه صادر شده و یا براساس حکم واقعی، توسط کسانی که از شرایط زمان صدور و شرایط مخاطبان آن خبر آگاهی داشته‌اند؛
چهارم. بررسی خبر از این جهت که آیا معارض دارد یا خیر.
در صورتی که این چهار جهت مورد بررسی قرار گیرد و اصل صدور و تمامیت دلالت و حکم واقعی بودن و عدم معارض برای خبر ثابت شود، می‌توان به چنین خبری برای استخراج حکم موضوعی استدلال کرد. (مطهری، ۱۳۷۶: ۸۱)

۷- اخبار و روایات گویای رجم

اخباری که برای حکم رجم به آنها استدلال شده است عبارت‌اند از:

۷-۱- روایت اول

۱. قال ابوهریره جاء ماعز بن مالک إلى النبي (ص) فقال إني زنيت فاعرض عنه ثم قال إني زنيت فاعرض عنه ثم قال قد زنيت فاعرض عنه حتى أقر أربع مرات فأمر به أن يرجم فلما أصابته الحجارة أدير يشد فلقية رجل بيده لحي جمل فضربه فصرعه فذكر للنبي (ص) فراره حين مسته الحجارة قال فهل لا تركتموه
ابوهریره می‌گوید ماعز بن مالک خدمت پیامبر (ص) رسید و به او گفت من زنا کردم؛ پیامبر از او روی گرداند. باز گفت من زنا کردم؛ دوباره از او روی گرداند. سپس تکرار کرد؛ این بار هم پیامبر از او روی گردانید. او پس از اینکه چهار مرتبه اقرار به زنا کرد، پیامبر دستور رجم او را صادر کرد و او را سنگسار نمود. همین‌که مورد اصابت سنگ‌ها قرار گرفت، پشت کرد و پا به فرار گذاشت. فردی که استخوان شتری را در دست داشت، پس از آنکه به او رسید آن را بر او کوبید و مرد. جریان را به پیامبر (ص) خبر دادند. حضرت فرمود چرا او را رها نکردید.
مانند این خبر را عبدالله بن بریده از پدرش روایت کرده است و تنها فرقی که با این خبر دارد، این است که رسول خدا (ص) در این خبر از قوم و خویشان ماعز درباره عقلش پرسید، آنها به عقل او شهادت دادند و وقتی که مسلم شد او عاقل بوده، پیامبر دستور رجم وی را دادند.

۷-۲- روایت دوم

علی بن ابراهیم از محمد بن عیسی و او از یونس و از او ان و از ابی‌العباس و او از امام صادق (ع) نقل کرد که فرمود مردی خدمت پیامبر (ص) رسد و گفت: إني زنيت ثم جاء اليه الثالثة فقال يا رسول الله إني زنيت و عذاب الدنيا أهون من عذاب الآخرة فقال رسول الله (ص) أبصاحبكم بعس (يعني به جنّة) قالوا لا فأقر على نفسه الرابعة فأمر به رسول الله (ص) فحفروا له حفيرة فلما ان وجد مس الحجارة خرج يشد فلقية الزبير فرماه بساق بعير فسقط فعقله به فأدرکه الناس فقتلوه فأخبروا النبي (ص) بذلك فقال هل لا تركتموه ثم قال لو استتر ثم تاب كان خيرا له؛ ۹ مردی خدمت رسول خدا رسید و به حضرت گفت من

زنا کردم. مرتبه دوم که خدمت او رسید، آن را تکرار کرد و گفت تحمل عذاب دنیا برای من از عذاب آخرت آسان تر است. پیامبر رو به کسی که با آن مرد بود کرد و گفت آیا دوست شما را اشکالی است؟ (یعنی دیوانه است)، گفت نه. چهارمین بار که او اقرار به زنا کرد، حضرت دستور داد برایش گودالی حفر شد و او را در آنجا انداختند (سنگ‌ها به طرف او پرتاب شد)، همین که سنگ‌ها به او برخورد کردند، از گودال خارج شد و پا به فرار گذاشت. زبیر که با وی برخورد کرد، با ساق شتری که در دست داشت بر سر او زد و روی زمین افتاد. آن گاه او را به بند کشید و مردم در آن وقت رسیدند و او را کشتند. زمانی که رسول خدا از جریان باخبر شد، فرمود چرا رهائش نکردید؟ سپس فرمود اگر پنهان می‌داشت سپس توبه می‌کرد برایش بهتر بود.

۷-۳-روایت سوم

ابوهریره و زید بن خالد جهنی نقل کرده‌اند که مردی از اعراب خدمت رسول خدا (ص) رسید و گفت: یا رسول الله آنشدک الله ألا قضیت لی بکتاب الله فقال الخصم الآخر وهو أفضه منه نعم فاقض بیننا بکتاب الله وأذن لی فقال رسول الله (ص) قل. قال إن ابنی کان عسیفاً علی هذا فزنی بأمراته وإنی أخبرت أن علی ابنی الرجم فافتدیت منه بمأة شاء ولیده. فسألته أهل العلم فآخبرونی انما علی ابنی جلد مأة وتغریب عام وانّ علی إمراة هذا الرجم فقال رسول الله (ص) والذی نفسی بیده لا قضین بینکما بکتاب الله الولیة والغنم رد وعلی ابنک جلد مأة وتغریب عام واغد یا أنیس إلی امرأة هذا فإن اعترفت فارجمها قال فغدا علیها فاعترفت فأمر بها رسول الله (ص) فرجمت؛ مردی عرب خدمت پیامبر (ص) رسید و عرض کرد تو را به خداوند قسم می‌دهم که بر من جز به کتاب خدا حکم نکنید. دشمن مقابل که از او داناتر بود گفت آری بین ما به کتاب خدا حکم کن و به پیامبر گفت به من اذن سخن بده. حضرت به او اذن داد. او گفت پسر من نزد این شخص کارگر بود و با زن او زنا کرده و به من خبر رسید که بر او حکم رجم است و من برای او صد گوسفند و یک کنیز فدییه دادم و بعد از عالمان پرسیدم، آنها گفتند که بر پسر صد تازیانه و یک سال دوری از وطن، و بر زن رجم است. آن گاه رسول خدا فرمود سوگند به آن که جان من در دست اوست، به کتاب خداوند بین شما حکم می‌کنم؛ کنیز و گوسفندان به تو بازگردانده می‌شوند، و اما بر پسر تو صد تازیانه و یک سال دوری از وطن است. پس ای انیس برو نزد همسر این شخص، اگر او اعتراف به زنا نمود، وی را سنگسار کنید. راوی می‌گوید انس نزد آن زن رفت و او به گناه خود اعتراف نمود، آن گاه پیامبر دستور رجم او را صادر کرد.

۷-۴-روایت چهارم

عباده بن صامت از پیامبر (ص) نقل کرد که فرمود:

خذوا عنی خذوا عنی قد جعل الله لهن سبیلاً البکر بالبکر جلد مأة ونفی سنه والثیب بالثیب جلد مأة والرجم؛ از من بگیرید از من بگیرید، همانا خداوند برای آنان (که زنا کرده‌اند) راهی قرار داد؛ پسر باکر با دختر باکره صد تازیانه و یکسال دوری از وطن، و بر مرد و زن همسردار جمع بین حکم صد تازیانه و سنگسار.

۷-۵-روایت پنجم

محمدبن عیسی از حسین بن سعید از النصر از عاصم بن حمید از ابی بصیر از امام صادق (ع) که فرمود:

الرجم حدالله الأكبر والجلد حدالله الأصغر وإذا زنی الرجل المحسن رجم ولا یجلد؛

امام صادق (ع) فرمود: رجم، حد بزرگ خدا و تازیانه، حد کوچکتر خداست و اگر محصن زنا کرد، رجم می‌شود نه تازیانه. در «منتهی المقال» نقل شده است که اباجعفر بن بابویه هیچ‌گاه از او روایت نمی‌کند و شیخ طوسی هم او را ضعیف شمرده است. در این زمینه اخبار ضعیف دیگری نیز از نظر سند وجود دارد که نیازی به بیان آنها نیست.

نتیجه گیری

در ماده ۲۲۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، رجم به عنوان مجازات اصلی زناى محصنه، تعیین شده است. از طرفی به موجب ماده یادشده، هرگاه امکان اجرای این مجازات وجود نداشته باشد، مجازات های شلاق یا اعدام- بسته به مورد آن- جایگزین خواهد شد. این موضوع چالش جدی فرآروی موضوع حدود الهی در قانون جدید است که امکان تعطیلی حدود الهی وجود دارد. با توجه به جریان‌شناسی انکار این حکم الهی، باید گفت حکم سنگسار، یکی از احکام مسلم اسلامی است که همه مکاتب فقهی، به دلیل مستندات غیرقابل انکار، بر اسلامی بودن آن اتفاق نظر دارند. شیخ طوسی در کتاب الخلاف تصریح می‌کند: «حکم سنگسار مورد اتفاق جمیع فقهای اسلام، اعم از شیعه و سنی است و حکایت شده که تنها خوارج آن را منکر شده‌اند و گفته‌اند: سنگسار در شریعت اسلام وجود ندارد؛ چون در قرآن نیامده است. هیچ مذهب و مکتب فقهی، از صدر اسلام تاکنون، با حکم سنگسار مخالف نبوده است. با وجود این، این حکم مسلم اسلامی از ابتدای رحلت پیامبر اکرم (ص)، و حتی در زمان آن بزرگوار مورد تشکیک، انکار برخی فرقه‌های عمدتاً سیاسی در بین امت اسلام قرار گرفت. بر خلاف تصور برخی مجازات رجم از قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ حذف نشده است. قانونگذار در ماده ۲۲۵ قانون جدید صراحتاً آورده است که: حد زنا برای زانی محصن و زانیه محصنه رجم است. البته در ادامه این ماده تغییرات جدیدی را شاهد هستیم به این صورت که در صورت عدم امکان اجرای رجم با پیشنهاد دادگاه صادرکننده حکم قطعی و موافقت رییس قوه قضاییه چنانچه جرم با بینه ثابت شده باشد، موجب اعدام زانی محصن و زانیه محصنه است و در غیر این صورت موجب صد ضربه شلاق برای هر یک می‌باشد. این ماده از دو قسمت تشکیل شده است. قسمت اول آن که مجازات زناى محصنه است سابقه تقنینی دارد و تغییر اساسی نکرده است، اما قسمت دوم ماده که از مباحث جدید این قانون می‌باشد، بسیار کاربردی است و در وضعیتی که به دلایل مختلف امکان اجرای حد جرم وجود ندارد و شرایط اجرا ی رجم آماده نیست، راه حل قانونی ارائه می‌دهد تا از مشکلات متعدد جلوگیری شود.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، محقق من لا یحضره الفقیه، / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۴، ص ۲۳، باب (ما یجب به التعزیر و الحد و الرجم و القتل و النفی فی الزنا)
۲. ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، الخلاف، ج ۵، ص ۳۶۵.
۳. بخاری، محمد بن اسماعیل، الجامع المسند الصحیح (صحیح البخاری، تحقیق محمد زهیر بن ناصر الناصر، دار طوق النجاة، ۱۴۲۲ق.
۴. تبریزی، جواد، اسس الحدود و التعزیرات، قم، دفتر مؤلف، چاپ اول، ۱۴۱۷ق
۵. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، مؤسسه آل البیت، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۶. خویی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، قم، انوار الهدی، ۱۴۰۱ق.
۷. شکوری، ابوالفضل، «تاملی درباره حد رجم و منابع و مبانی آن»، یاد، شماره ۷۵، ۱۳۸۴ش.
۸. شهید ثانی، زین الدین عاملی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۹. شیخ طوسی، المبسوط فی فقه الإمامیة؛ ج ۸، ص: ۲
۱۰. شیخ طوسی، محمد بن حسن، الخلاف، قم، مؤسسه انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.
۱۱. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن وسائل الشیعة، ج ۲۸، ص ۶۱، باب (أقسام حدود الزنا و جملة من أحكامها)
۱۲. طوسی، محمد بن الحسن، الإستبصار فیما اختلف من الأخبار، محقق: مصحح: خراسان، ج ۴، ص ۲۰۱، ۱۱۷ باب من یجب علیه الجلد ثم الرجم.
۱۳. طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الأحكام، محقق / مصحح: خراسان، حسن الموسوی، ج ۱۰، ص ۲، کتاب الحدود.
۱۴. کدخدایی، محمدرضا، «بررسی حکم سنگسار در اسلام (پیشینه، شرایط، ادله)»، فقه، ش ۱ (۶۷)، ۱۳۹۰.
۱۵. باقرزاده محمد، بررسی حکم سنگسار از منظر فقه و حقوق بشر»، در مجله اندیشه های حقوق عمومی (مؤسسه امام خمینی)، زمستان ۱۳۹۰ش.
۱۶. کردی، امید عثمان، کنکاشی فقهی و حقوقی در مجازات اعدام، ترجمه هاشم موسوی آبگرم، تهران، احسان، ۱۳۹۴ش.
۱۷. گلدوزیان، ایرج؛ (۱۳۹۳). محشای قانون مجازات اسلامی، چاپ دوم، تهران: انتشارات مجد.
۱۸. کافی، کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۷، باب (التحدید)،
۱۹. مالک بن انس، موطأ ابن مالک، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۶ق.
۲۰. محقق حلی، جعفر بن حسن، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، تحقیق و تصحیح عبدالحسین محمدعلی بقال، قم، اسماعیلیان، چاپ دوم، ۱۴۰۸ق.
۲۱. مرتضی مطهری، کلام (کلیات علوم اسلامی)، ج ۲ و مجموعه آثار، ج ۳، ص ۷۶
۲۲. مغربی، دعائم الإسلام؛ ج ۲، ص: ۴۴۵
۲۳. مکارم شیرازی ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۴ افراط و تفریط در اجرای حد ممنوع!
۲۴. موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم، فقه الحدود و التعزیرات، قم، مؤسسه النشر لجامعه المفید، چاپ دوم، ۱۴۲۷ق.

۲۵. مؤسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت، قم، مؤسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۹ش.
۲۶. ناصر مکارم شیرازی آیین رحمت، تهیه و تنظیم: ابوالقاسم علیان نژادی، آیا حدود اسلامی با رأفت و رحمت دینی سازگار است؟
۲۷. نوبهار، رحیم، (۱۳۹۲). مدل شناسی سیاست جنایی اسلام، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۶۱.
۲۸. نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام؛ ج ۴۱، ص: ۳۱۸
۲۹. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ق.
۳۰. نهج البلاغه، شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: للصبحی صالح، ص ۱۸۴، خطبه ۱۲۷ و من کلام له ع و فيه یبین بعض أحكام الدین و یکشف للخوارج الشبهه و ینقض حکم الحکمین.
۳۱. وبگاه ایسنا، «آیا می توان به جای سنگسار حکم دیگری به اجرا گذاشت؟»، ۲۲ فروردین ۱۳۹۱ش، دیده شده در ۲۰ فروردین ۱۳۹۷ش.
۳۲. یروانی، باقر، دروس تمهیدیه فی الفقه الاستدلالی علی المذهب الجعفری، چاپ دوم، ۱۴۲۷ق.